

حکم اعدام سهیل عربی، "یکی از فروع شجره خبیثه تکفیر است"

آیت الله خامنه ای سال هاست که در برابر گروه های تکفیری ایستاده است (رجوع شود به مقاله "آیت الله خامنه ای در برابر گروه های تکفیری؟"). در روزهای دوم و سوم آذرماه نیز یک کنفرانس بین المللی در شهر قم علیه خطر گروه های تکفیری برگزار شد (رجوع شود به مقاله "پارادوکس تکفیری های ضد تکفیری").

در این کنگره همه درباره خطرهای عظیم گروه های تروریستی داعش، جبهه نصرت، بوکوحرام، و... سخن گفتند. آنان افزودند که همه گروه های تکفیری را آمریکا و اسرائیل ساخته اند تا حاشیه امنی برای اسرائیل بسازند. هدف تخریب چهره رحمانی اسلام در جامعه جهانی است. در صورتی که به گفته آیت الله مقتدایی- دبیر شورای عالی حوزه های علمیه-: "فعالیت گروه های تکفیری هیچ ارتباطی با اسلام اصیل ندارد". یکی دیگر از فقیهان تأکید کرد که تکفیر ربطی به اسلام نداشته و خداوند این عمل را مجاز نمی شمارد.

شرکت کنندگان در این کنگره در ۴ آذر به دیدار آیت الله خامنه ای رفتند. او نیز مجدداً علیه گروه های تکفیری سخن گفت. چندین دلیل ذکر کرد تا این گروه ها را ساخته استکبار جهانی نشان دهد. او گفت که این گروه ها خط مقدم مبارزه را از اسرائیل به عراق و سوریه و لیبی کشانده و در حال نابودی "زیرساخت های ارزشمند" کشورهای اسلامی هستند. بیداری اسلامی- یعنی همان بهار عرب- علیه آمریکا و دولت های وابسته به آمریکا بود، ولی آن را به جنگ خانگی مسلمانان علیه یکدیگر تبدیل کردند.

دو نکته در سخنان خامنه ای بسیار مهم بود:

الف- یکی از اقدامات بسیار خبیثانه‌ی جریان تکفیر مخدوش کردن چهره‌ی اسلام رحمت و تعقل و منطق، با نشان دادن تصاویر جنایاتی همچون زیر شمشیر نشانیدن انسان‌های بی‌گناه و یا درآوردن قلب یک مسلمان و به‌دندان گرفتن آن، در مقابل دوربین و به نام اسلام، است.

ب- در بررسی این جریان خطرناک باید به این نکته توجه شود که موضوع اصلی، مقابله‌ی همه‌جانبه با جریان احیاء شده تکفیری است که فراتر از گروه موسوم به داعش است و در واقع "جریانی که امروز به داعش شناخته می‌شود، یکی از فروع شجره‌ی خبیثه تکفیر است".

سپس افزود که علمای مذاهب اسلامی باید یک نهضت علمی و منطقی و فراگیر برای ریشه کن کردن جریان تکفیر راه بیندازند. این جریان با شعار دروغین سلف صالح وارد شده است و باید با زبان دین، علم و منطق، بیزاری سلف صالح را از این اقدامات نشان داد. باید با این نهضت علمی و منطقی، جوانان بی‌گناهی را که گرفتار این جریان خبیث شده‌اند، نجات داد و این وظیفه به عهده‌ی علما است.

تأیید حکم اعدام سهیل عربی

درست همزمان با روز آغاز این کنفرانس، حکم اعدام سهیل عربی تأیید شد. سهیل عربی، ۳۰ ساله، دی ماه سال گذشته به دلیل فعالیت های فیس بوکی اش بازداشت شد. اتهامات وی عبارتند از: تبلیغ علیه نظام، اهانت به رهبری و توهین به مقدسات (سب النبی). به خاطر دو اتهام اول، قاضی صلواتی وی را به 3 سال زندان محکوم کرد.

اما به خاطر اتهام سب النبی، محکوم به اعدام شد. حکم مورد تأیید شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور قرار گرفته و در دوم آذر ۹۳ حکم به وکلایش ابلاغ شده است. شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور، در اقدامی غیر قانونی و برخلاف کیفرخواست، اتهام افساد فی الارض را هم به حکم اضافه کرده است.

حتی اگر سهیل عربی به طور قطع به پیامبر اسلام اهانت کرده باشد، و براساس ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مجازاتش اعدام باشد، مطابق ماده ۲۶۳ همان قانون: "هرگاه متهم به سب، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سب النبی محسوب نمی‌شود".

اولاً: همسر سهیل عربی مدعی است که اهانت به پیامبر ربطی به وی نداشته و دیگران روی صفحه فیس بوک قرار داده اند.

ثانیاً: وکیل متهم می گوید که متهم خود را مشمول ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی به شمار آورده، اما دیوان عالی کشور بدون هیچ بهانه ای این عذر را نپذیرفته است. نکته اساسی این است که ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی ادعای متهم را منوط به هیچ شرطی- از جمله پذیرش دادگاه یا دیوان عالی کشور- نکرده است. صرف ادعای متهم موجب لغو اتهام سب النبی می شود.

تناقض رد و قبول شجره خبیثه تکفیر

آیت الله خامنه ای همه گروه های تروریستی و جنایتکار تکفیری را محصول فرعی شجره خبیثه تکفیر به شمار می آورد. این رویکردی اخلاقاً موجه است. اگر تکفیر، "شجره خبیثه" است، نباید بدان توسل جست و خود(فقیهان جمهوری اسلامی و شخص رهبری) را به یکی از فروع این شجره خبیثه تبدیل کرد.

تکفیر سهیل عربی، با هر بهانه ای، نیز محصول همین شجره خبیثه است. تکفیر، تکفیر است، توسط هرکس و علیه هرکس که صورت بگیرد.

البته شاید فقیهان مدعی شوند که مدعیات آنان علیه تکفیر، موضوعش تکفیر فرقه ها و مذاهب متفاوت اسلامی است، نه فردی که لباس اسلام از تن به در کرده یا به معصومان اهانت می کند. ولی تفاوتی در این میان وجود ندارد. چون جریان های تکفیری شیعی و سنی همیشه مدعیان این بوده که طرف مقابل غیر مسلمان شده و افکار و گفتار و رفتارشان اهانت به اسلام و پیامبر به شمار می رود. فقیهان شیعی و سنی همین رفتار را با فیلسوفان و عارفان مسلمان انجام دادند.

تخریب چهره اسلام

آیت الله خامنه ای به درستی گوشزد می کند که گروه های تروریستی داعش، القاعده، طالبان، جبهه نصرت، بوکوحرام، الشباب، سپاه صحابه پاکستان، و... بیش از هر امر دیگری به اسلام ضربه زده و "چهره اسلام را مخدوش و زشت کردند". سپس افزود، همه مردم دنیا دیدند که به نام اسلام افراد غیر مسلمان غیر متعرض را نشانده و بدون آن که جرمی برای آنان معین شده باشد، سرشان را از بدن جدا می کردند. همه مردم جهان شاهد بودند که فردی را کشتند و از سینه او قلبش را در آوردند و به نام اسلام به دندان کشیدند. در پایان نتیجه می گیرد: آیا فتنه ای از این خبیث تر می شود که اسلام رحمت، اسلام تعقل و اسلام منطق را این گونه معرفی کردند. آیا فتنه ای از این بزرگتر می شود طراحی کرد.

جمهوری اسلامی و زشت کردن چهره اسلام

اگر استدلال آیت الله خامنه ای درباره زشت کردن چهره اسلام توسط گروه های تکفیری جنایتکار درست باشد، نظام فقیه سالار جمهوری اسلامی یکی از حکومت هایی بوده که طی ۳۶ سال گذشته- به نام اسلام- در حال زشت کردن چهره اسلام بوده است.

مگر فقیهان جمهوری اسلامی به نام اسلام سرکوب نکرده و نمی کنند؟ مگر فقیهان جمهوری اسلامی به نام اسلام فساد نکرده و نمی کنند؟ مگر قتل عام زندانیان در تابستان ۶۷ به نام اسلام صورت نگرفت؟ مگر آیت الله منتظری به نام اسلام عزل و ۵ سال در منزلش زندانی نشد؟ مگر سلمان رشدی به نام اسلام تکفیر نشد؟ مگر سهیل عربی به نام اسلام حکم اعدام نگرفته است؟

آیا اینها و صدها نمونه دیگر موجب تخریب چهره اسلام در دنیا نشد؟ اگر قرار باشد "شجره خبیثه تکفیر"- به حکم آیت الله خامنه ای- "ریشه کن" شود، آیا فقیهان تکفیرگر جمهوری اسلامی هم نباید شامل همین حکم شوند؟

مجازات اسلام ستیزان؟

درست به همان دلیلی که یهودستیزی از نظر اخلاقی و حقوقی ناموجه است، اسلام ستیزی و اهانت به اسلام هم از نظر اخلاقی و حقوقی ناموجه است. هیچ کس مدافع اسلام ستیزی و اهانت به مقدسات مسلمانان و خود آنان نیست. اما اگر فرد یا گروهی به اسلام و مسلمانان اهانت کرد، مجازاتش چیست؟ آیا مجازات- آن هم مجازات اعدام- اهانت کننده به پیامبر یا فردی که اسلام را ترک کرده و غیر مسلمان می شود، بیش از هر چیز موجب تخریب چهره اسلام در دنیای کنونی نمی شود؟ حقوق بشر مدرن و جهان جدید مجازات اعدام ارتداد و سب النبی را نمی پذیرد و آن را یکی از مهمترین مصادق خشونت به شمار می آورد.

اگر دفاع از اسلام رحمانی منطقی عقلایی هدف فقیهان- یا حداقل آیت الله خامنه ای- است، باید حکم ارتداد و دیگر مجازات های فقهی را کنار نهاد. وقتی فقیهان قدرت سیاسی را در دست گرفته و مدعی حکومت دینی می شوند، اسلام بیش از هر امر دیگری زشت و خشن جلوه گر خواهد شد. بر ساختن اسلام رحمانی و عقلایی و منطقی فقط در شرایط آزادی که در قدرت نباشد- یعنی رژیم دموکراسی سکولار- قابل امکان

پذیر است. اگر قدرت سیاسی و اقتصادی پشت دین باشد، دین با رحمت و صلح و عقلانیت سازگار نخواهد شد.

منبع: رادیو زمانه، ۰۴ آذر ۱۳۹۳